

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۳، زمستان ۱۳۸۸، ۱۵۸ - ۱۳۱

اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی

دکتر احمد صباحی* سعید ملک الساداتی**

دریافت: ۸۶/۱۱/۹

پذیرش: ۸۸/۷/۲۱

فساد مالی / رشد اقتصادی / داده‌های تابلویی

چکیده

این مطالعه به بررسی تأثیر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی در نمونه‌ای وسیع از کشورهای جهان و در دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ می‌پردازد. فساد مالی عموماً به سوء استفاده از قدرت عمومی برای دستیابی به منافع شخصی تعبیر می‌شود. ادبیات نظری علم اقتصاد دیدگاه دوگانه‌ای پیرامون ارتباط میان پدیده فساد و رشد اقتصادی ارائه می‌نماید. از یک سو گروهی از تئوری‌های اقتصادی معتقدند که فساد قادر است از طریق دور زدن قوانین و مقررات ناکارآمد و انعطاف‌ناپذیر تحمیل شده توسط دولت - خصوصاً در کشورهای کمتر توسعه یافته - به افزایش رشد اقتصادی بیانجامد و از سوی دیگر گروه دیگری از تئوری‌ها فساد را به مثابه نیرویی می‌دانند که به عملکرد مناسب بازارها آسیب می‌رساند و از این رهگذر موجبات کاهش رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد. این مقاله با استفاده از شاخص کنترل فساد تهیه شده توسط مؤسسه بانک جهانی، تأثیر فساد مالی را بر رشد اقتصادی در سه گروه کشورهای پردرآمد، کشورهای با درآمد متوسط و کشورهای کم‌درآمد، در قالب یک مدل اقتصادسنجی و با بهره‌گیری از تکنیک داده‌های تابلویی بررسی نموده است.

* عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه فردسی مشهد

** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه فردسی مشهد

■ سعید ملک الساداتی، مسئول مکاتبات.

نتایج برآورد مدل تحقیق، گویای این است که اگرچه در کشورهای پر درآمد و کشورهای دارای درآمد متوسط کنترل فساد با رشد اقتصادی ارتباط مثبت معناداری دارد، در کشورهای کم درآمد این ارتباط منفی و معنادار است.

طبقه‌بندی JEL: P48.

مقدمه

همه دولت‌ها، چه خیرخواه و چه سرکوبگر، توزیع مزایای ارزشمند و تحمیل هزینه‌های سنگین را کنترل می‌کنند. توزیع این مزایا و هزینه‌ها معمولاً تحت کنترل مقامات دولتی است که از قدرت تصمیم‌گیری برخوردارند. آن گروه از افراد و شرکت‌های خصوصی که خواهان رفتار مساعد هستند، ممکن است مایل باشند برای بهره‌مند شدن از آن پول بپردازند. این گونه پاداش‌ها چنانچه به طور غیرقانونی با هدف به دست آوردن مزایایی خاص یا خودداری از پرداخت هزینه‌هایی به کارگزاران دولتی پرداخت شود، فساد به شمار می‌آید. فساد مالی نشانه‌ای است از آنکه در کار اداره دولت خللی پدید آمده است.^۱ از فساد مالی به سوءاستفاده از قدرت عمومی برای تأمین منافع شخصی تعبیر می‌شود.^۲ فساد می‌تواند به طرق مختلفی مانند گرفتن مجوز ساختگی برای فعالیت خاص، تبانی در پرداخت مالیات‌ها، دستکاری در امور ملکی و اسناد دولتی، ورود به مناقصات، مزایده‌ها و قراردادهای دولتی، سوءاستفاده در امر تهیه و توزیع کالاها و خدمات، استخدام و اعطای مقامات دولتی و... انجام گیرد. فساد زمانی پدیدار می‌شود که انحراف در نظام مقررات و سیاست‌گذاری زمینه آن را فراهم آورده و نهادهای بازدارنده آن نیز ضعیف عمل نمایند.

در خصوص ارتباط میان فساد مالی و رشد اقتصادی هرگز نمی‌توان با قطعیت حکم واحدی صادر کرد. زیرا در کیفیت این ارتباط عوامل متعددی دخیل هستند که گاه به عنوان منشأ ایجاد فساد مالی و گاه به عنوان نتیجه فساد مالی مطرح شده‌اند. عواملی چون کیفیت بد قوانین و مقررات، دیوان‌سالاری ناکارآمد، ناکارایی نظام قضایی، فقدان حاکمیت قانون و ... که عمدتاً در کشورهای توسعه نیافته شایع است، می‌توانند کارگزاران بخش خصوصی را ترغیب نمایند تا برای کاهش هزینه‌های تولید و افزایش سرمایه‌گذاری، به مظاهر فساد مالی روی آورند. اما از سوی دیگر پدیده‌هایی چون ایجاد اختلال در تخصیص مناسب کالاهای عمومی، هدایت غیر بهینه نخبگان جامعه میان کارآفرینی و

۱. رزاکرمن، سوزان، (۱۹۹۹).

2. Tanzi, V, (1998).

رانت جویی، کاهش مشروعیت دولت‌ها در ایجاد نهادهای حامی بازار می‌تواند به عملکرد مناسب هر اقتصادی اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه آسیب رسانده و از این رهگذر موجبات کاهش رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد. براین اساس در این مقاله، فرضیه ذیل را برای سه گروه از کشورهای جهان یعنی کشورهای پردرآمد^۱، کشورهای با درآمد متوسط و کشورهای کم‌درآمد آزمون می‌نماییم.

این مقاله به شرح ذیل سازماندهی شده است. در بخش نخست مبانی نظری مرتبط با موضوع تحقیق ارائه خواهد شد و به پشتوانه این ادبیات نظری محقق استنتاجات خود را به اجمال بیان خواهد کرد. پس از آنکه در بخش دوم مروری بر مطالعات تجربی انجام گرفت، در بخش سوم اقدام به پی‌ریزی مدلی خواهیم کرد که استنتاجات تئوریک ما را با توجه به نمونه مورد بررسی آزمون نماید. تجزیه و تحلیل نتایج مدل و پیشنهادات به ترتیب در بخش چهارم و پنجم ارائه خواهد گردید.

۱. مبانی نظری

ادبیات نظری پیرامون ارتباط میان پدیده فساد و رشد اقتصادی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول تئوری‌هایی هستند که معتقدند فساد قادر است از طریق دور زدن قوانین و مقررات ناکارآمد و انعطاف‌ناپذیر تحمیل شده توسط دولت - خصوصاً در کشورهای کمتر توسعه یافته - به افزایش رشد اقتصادی منجر شود. اما گروه دوم تئوری‌هایی هستند که فساد را به مثابه نیرویی می‌دانند که به عملکرد مناسب بازارها آسیب می‌رساند و از این رهگذر موجبات کاهش رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد. در ادامه به برخی از این استدلال‌ها و دیدگاه‌ها می‌پردازیم.

۱-۱. رشوه بازار را تسویه می‌کند

دولت‌ها غالباً کالاها و خدمات عمومی را به طور رایگان فراهم می‌کنند یا اینکه آنها را زیر قیمت‌های بازار می‌فروشند. در خصوص این قبیل کالاهای عمومی اغلب قیمت‌های

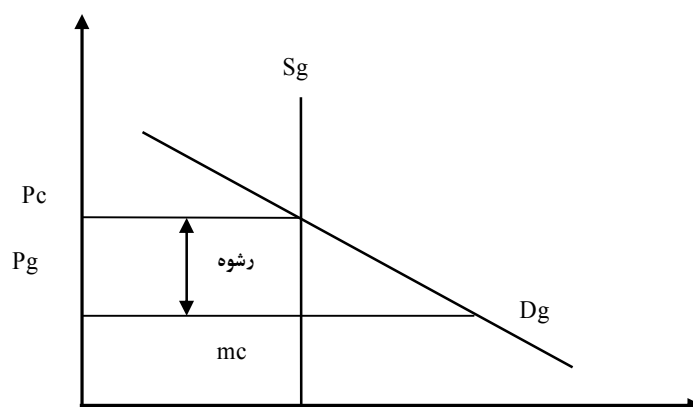
۱. معیار، طبقه‌بندی درآمدی بانک جهانی است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

دوگانه‌ای وجود دارد. قیمت پائین دولتی که با مازاد تقاضا همراه است و قیمت بالاتر بازار آزاد. در چنین شرایطی افراد و شرکت‌ها برای دسترسی به کالاها و خدمات دولتی زیر قیمت بازار، به مقامات دولتی رشوه می‌پردازند. براین اساس برخی اقتصاددانان رشوه را به مثابه ابزاری برای تسویه بازارها می‌دانند به گونه‌ای که عرضه و تقاضا را متوازن می‌سازد. حال اینکه چگونه در این تئوری فساد به شکل پرداخت رشوه به افزایش رشد اقتصادی می‌انجامد تحت سه سناریو قابل بررسی است:

۱-۱-۱. عرضه ثابت کالای عمومی

در این حالت مقام اداری باید تعداد ثابتی از پروانه‌ها یا مزایا (کالای عمومی) را تخصیص دهد، بنابراین تعداد افراد واجد شرایط برای دریافت این خدمات از عرضه خدمات بیشتر است. اگر بازار فاسد به نحو کارآمدی عمل کند، خدمات به متقاضیانی ارائه خواهد شد که بیشترین تمایل را برای پرداخت رشوه دارند. اگر هیچگونه تبعیض قیمتی^۱ وجود نداشته باشد ما با مورد «رشوه‌ای که بازار را تسویه می‌کند» روبه‌رو هستیم که معادل قیمت در یک بازار کارآمد خواهد بود. در این مورد رشوه درآمد مستخدمان کشوری را افزایش می‌دهد و پرداخت‌های قانونی نیز به خزانه دولت واریز می‌شوند. بسلی و مک‌لارن^۲، (۱۹۹۳) و فلترز و مک‌لئود^۳، (۱۹۹۵) معتقدند که اگر شرایط رقابتی هم در بازار فاسد و هم در بازار کار وجود داشته باشد، پاداش‌های غیرقانونی مانند قیمت‌های بازار هستند. برندگان کسانی هستند که آماده‌اند بیشترین مبلغ را به صورت رشوه بپردازند؛ بازندگان کسانی هستند که تمایل خود را به صورت دیگری مانند وقتی که درایستادن در صف صرف می‌شود، آشکار می‌سازند. همانطور که مشاهده می‌شود، در نمودار (۱)، Dg تقاضا برای کالای عمومی g است، منحنی Sg بیانگر عرضه ثابت این کالا است و MC هزینه نهایی تهیه کالای g توسط کارگزاران دولتی است.

1. Price Discrimination.
2. Besley and McLaren.
3. Flatters & Macleod.



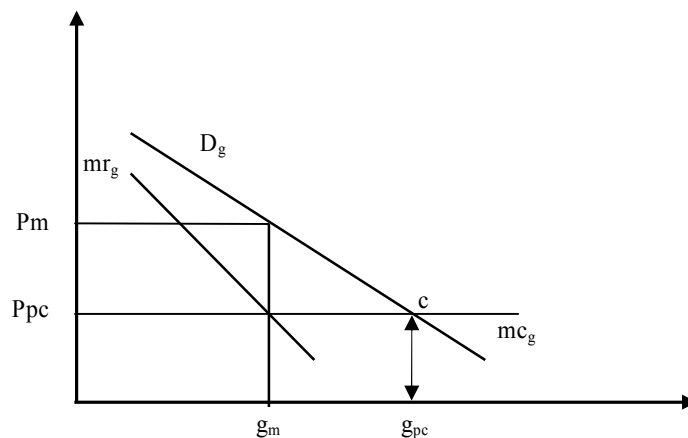
نمودار ۱- بازار فاسد برای تخصیص کالای عمومی

نمودار (۱) نشان می‌دهد که چگونه تمایل به پرداخت رشوه برای بهره‌مند شدن از کالای عمومی که در قیمت پائین دولتی P_g با مازاد تقاضا مواجه است، موجب تسویه بازار در قیمت بالاتر P_c شده و افراد دارای بیشترین تمایل به پرداخت را از کالا بهره‌مند می‌سازد. بنابراین مشاهده می‌کنید که در این حالت وجود فساد به شکل پرداخت رشوه بر سطح تولید کالای عمومی تأثیری ندارد اما در توزیع کارآتر کالای عمومی به افرادی که بیشترین ارزش را برای آن قائل هستند، مؤثر است. از آنجا که کالاهای عمومی به منزله‌ی نهاده‌ای برای تولید بخش خصوصی هستند، تولیدکنندگان کارآتر با پرداخت رشوه و در اختیار گرفتن این نهاده تولید، محصولات نهایی بیشتری را تولید خواهند کرد و نسبت به تولیدکنندگان ناکارا رشد اقتصادی را بالاتر خواهند برد.

۲-۱-۱. عرضه متغیر کالای عمومی

در این حالت مقامات دولتی می‌توانند بر کیفیت و کمیت خدماتی که ارائه می‌شوند و هویت افراد ذینفع تأثیر بگذارند. یک فرد به تنهایی ممکن است اختیار صدور پروانه یا یارانه‌ها را در اختیار داشته باشد، نقض قوانین را نادیده انگارد یا قرارداد ببندد. در این حالت مأمور دولتی، مانند یک انحصارگر خصوصی، ممکن است کمتر از میزانی که رسماً اجازه داده شده است، توزیع کند تا رانت‌های اقتصادی موجود برای تقسیم را افزایش دهد. به عکس، اگر دولت عرضه را زیر سطح عرضه انحصاری مأمور دولتی تعیین کرده باشد،

مأمور فاسد خواهد کوشید عرضه خدمات را افزایش دهد. در حقیقت او به جای تعیین میزان عرضه بهینه منابع، می‌کوشد تا منافع خود را به حداکثر برساند. شلیفر^۱ و ویشنی^۲ (۱۹۹۳) و رز-آکرمن^۳ (۱۹۷۸) از جمله ارائه‌کنندگان این تئوری هستند. خلاصه‌ای از مدل آنها در نمودار (۲) ارائه شده است. در این نمودار، D_g منحنی تقاضا برای امتیازات دولتی به عنوان یک کالای عمومی است، MR منحنی درآمد نهایی مربوطه و MC هزینه نهایی تدارک کالای g توسط کارگزاران دولتی است. این هزینه به دو عامل هزینه حقیقی تولید و نیز احتمال افشای دریافت رشوه بستگی دارد که بسته به ماهیت کالا و شرایط توزیع آن هریک از این دو نوع هزینه می‌تواند لحاظ شده یا از مدل حذف شود.



نمودار ۲- بازار فاسد برای تخصیص کالای عمومی

طبیعی است که اگر هیچگونه فسادی وجود نداشته باشد، هزینه افشا صفر خواهد بود و MC_g تنها بیانگر هزینه‌های حقیقی تولید است. در این حالت تعادل بازار در c حاصل می‌شود و قیمت کالای عمومی با $P_{pc}=MC_g$ برابر خواهد شد. تبعاً مقدار عرضه کالا نیز برابر با g_{pc} خواهد بود که معادل با مقدار عرضه تحت شرایط رقابت کامل است. اما اگر کارگزاران دولتی این قدرت را داشته باشد که کالای عمومی را همراه با دریافت رشوه به

1. Andre, Shleifer.
2. Robert, Vishny.
3. Susan Rose-Ackerman.

متقاضیان ارائه کنند، اقدام به بهینه یابی نموده و مانند یک انحصارگر به دنبال حداکثر کردن سود انحصاری خود خواهند بود.

در اینجا دو حالت متصور است. حالت اول به شرایطی اختصاص دارد که احتمال افشا صفر باشد، یعنی هزینه نهایی صرفاً به هزینه های واقعی تولید معطوف باشد. لذا مأمور دولتی از شرط حداکثر کردن سود انحصارگر استفاده می کند و قیمت کالای عمومی را در محل تساوی $MRg = MCg$ تعیین می نماید. در سطح تولید حداکثرکننده سود با کمک منحنی تقاضا قیمت برابر با Pm تعیین خواهد شد. آشکار است که حجم کالای g که توسط کارگزار انحصارگر و رشوه گیر دولتی عرضه می شود برابر با $gm < gpc$ است. بنابراین در این سناریو، فساد به شکل پرداخت رشوه نه تنها افزایش کارآیی را در پی ندارد، بلکه موجبات کاهش آن را نیز فراهم می آورد و سطح تولید را کاهش می دهد. در همین مورد حالت دومی نیز وجود دارد که در آن احتمال افشای مأمور دولتی فاسد وجود دارد. طبیعی است که در این حالت کیفیت بحث تغییری نخواهد داشت و تنها منحنی هزینه نهایی معادل با هزینه افشا به سمت بالا منتقل خواهد شد که این امر باعث کاهش بیشتر در سطح ارائه کالای عمومی توسط کارگزار فاسد دولتی می شود.

۳-۱-۱. فساد در تعیین افراد واجد شرایط

در این حالت مقدار خدمات عمومی محدود نیست. بلکه در اختیار همه افرادی است که «واجد شرایط» هستند. شرکت ها و افرادی که واجد شرایط نیستند، غالباً برای به دست آوردن این گونه مزایا رشوه می پردازند. آندرو شلیفر و رابرت ویشنی این حالت را «فساد همراه با دزدی» می نامند. زیرا مثال نمونه آن ها شرکتی است که برای معاف شدن از حقوق گمرکی رشوه می پردازد، اما انواع این نمونه ها شامل مواردی نیز می شود که یک فرآیند احراز شرایط تحریف می گردد یا قانونی نقض می شود. در این نوع از کالاهای عمومی، وظیفه کارگزار دولتی صرفاً تشخیص صلاحیت متقاضیان دریافت است. روشن است که افراد غیر واجد شرایط اغلب کسانی خواهند بود که بیشترین تمایل را برای پرداخت رشوه دارند، زیرا هیچ راه قانونی برای به دست آوردن این خدمات ندارند. کارگزاران دولتی

قادرند این گروه از امتیازات و کالاهای عمومی را که بارتو^۱ آنها را کالاهای عمومی مسروقه^۲ می‌نامد، با هزینه نهایی ناچیز و حتی در برخی مواقع هزینه نهایی صفر ارائه کنند. اصطلاح مسروقه به این دلیل به کار می‌رود که تهیه این کالاها هیچ گونه هزینه تولیدی به همراه ندارد و تنها به صلاحدید مأمور دولتی بستگی دارد. بنابراین با توجه به اینکه $MC=0$ است، کارگزار عقلانی می‌تواند متناسب با آن قیمت گذاری کرده و $P < P_{pc}$ را انتخاب نماید. در این مورد ادعا می‌شود که فساد قادر است تولید را افزایش دهد. اما این ادعای چندان محکمی نیست، چرا که اگر مقامات دولتی از قدرت انحصاری کافی برای ایجاد کمیابی - با به تأخیر افکندن تأیید صلاحیت‌ها یا ندادن آنها - برخوردار باشند در این صورت حتی کسانی که واجد شرایط اند ممکن است مجبور شوند رشوه پردازند. کوشش برای ایجاد کمیابی، چنانچه متقاضیان هیچ منبع خدمات جایگزین دیگر و هیچ وسیله مؤثر پژوهش خواهی نداشته باشند، می‌تواند به گونه موفقیت آمیزی رشوه به وجود آورد. حفظ معیارهای مبهم و نامشخص در تعیین افراد واجد شرایط، استراتژی دیگری است که مأموران دولتی معمولاً از آن استفاده می‌کنند. در این صورت مقامات رسمی می‌توانند از دادن خدمات به هر کسی که رشوه نپردازد خودداری کنند، اما برای هر کسی اثبات اینکه با وی به طور غیر منصفانه رفتار شده است دشوار خواهد بود^۳.

۲-۱. رشوه به عنوان پاداش تشویقی برای بوروکراتها عمل می‌کند

از آنجا که وقت گرانبها است، شرکت‌ها و افراد برای جلوگیری از تأخیر رشوه می‌پردازند. در بسیاری از کشورها یک تلفن، گذرنامه یا گواهینامه رانندگی را نمی‌توان بدون پرداخت رشوه سریعاً به دست آورد. گاهی این خدمات تنها برای افراد فاسدی فراهم می‌شود که رشوه می‌دهند و نه شهروندان صبور اما درستکار. از اواسط دهه ۱۹۸۰، بعضی اقتصاددانان، سازوکارهایی را مدل سازی نمودند که در آنها فساد، کارایی را تقویت کرده و رشد اقتصادی را بالا می‌برد. مدل صف^۴، که در ۱۹۸۵ توسط

1. Raul A. Barreto.

2. Stolen public goods.

۳. رز آکرمن، سوزان، (۱۹۹۹).

4. Queue Model.

لویی^۱ پیشنهاد شد، به این نکته اشاره دارد که بوروکرات‌ها در عرضه مجوزهای تجاری به بنگاه‌ها، اولویت را به کسانی می‌دهند که بیشترین ارزش را برای زمان قائل هستند و بنابراین برای انجام سریعتر عملیات خود حاضر به پرداخت بیشترین میزان رشوه به اداره کنندگان صف‌ها هستند.^۲ در ۱۹۸۶ به طور جداگانه، بک^۳، ماهر^۴ و همین‌طور لی^۵ سه مدل پیشنهاد کردند که به مدل مزایده^۶ شهرت یافت. چنین بحث می‌شد که در مدل مزایده پرداخت رشوه در هنگام ارائه پیشنهادات کارآیی را ارتقا می‌دهد زیرا اغلب بنگاه‌های کارآمد آنهایی هستند که برای پرداخت رشوه بیشتر تلاش می‌کنند.

۳-۱. رشوه هزینه‌ها را کاهش می‌دهد

کاهش هزینه‌ها می‌تواند یکی دیگر از انگیزه‌های پرداخت رشوه باشد. شرکت‌ها ممکن است به منظور بهره‌مند شدن از تفسیر قوانین به سود خود یا سبک کردن بار نظارتی، رشوه پردازند. تأثیر اقتصادی رشوه‌هایی که برای گریز از مقررات و پائین آوردن مالیات‌ها پرداخت می‌شود بستگی دارد به کارآیی برنامه‌های واقعی که در معرض تحریف‌های ناشی از فساد هستند. فرض کنید که دولتی مقررات بیهوده بسیاری دارد و مالیات‌های سنگینی از فعالیت‌های اقتصادی دریافت می‌کند. در آن صورت، با در نظر گرفتن چارچوب قانونی ناکارآمد موجود، رشوه‌هایی که برای گریز از مقررات و مالیات پرداخت می‌شود می‌تواند کارآیی را افزایش دهد.^۷

۴-۱. هدایت نامناسب سرمایه انسانی

وجود فساد باعث هدایت نامناسب استعدادهای جامعه می‌گردد. در شرایطی که فساد در جامعه شایع شود، افراد جامعه خصوصاً نیروهای انسانی با استعداد به جای استفاده از خلاقیت و نوآوری خود، سعی می‌کنند از رهگذر پرداخت رشوه و توافق با مقامات

1. Lui.
 2. Akai, Nobuo (2005).
 3. Beck.
 4. Maher.
 5. Lien.
 6. Auction models.
 7. Leff, N, (1964).

دولتی، اقدام به کسب یک رانت قانونی یا مجوز دولتی نمایند. حال آنکه این افراد به طور بالقوه می‌توانستند ظرفیت جامعه را از لحاظ پیشرفت‌های فنی ارتقا دهند.^۱ بنابراین انجام فعالیت‌های رانت جویانه توسط باهوش‌ترین افراد جامعه که گاهی از آن به عنوان راه‌حل بهینه دوم^۲ یاد می‌شود، جامعه را از پتانسیل‌های واقعی خود محروم نموده و با این تخصیص غیربهینه سرمایه‌های انسانی به رشد اقتصادی زیان می‌رساند.^۳

۵-۱. فساد به عنوان مالیات

فساد را می‌توان نوعی مالیات تلقی کرد، که موجب مختل شدن انتخاب بین فعالیت‌ها و بازده پائین‌تر برای رشد اقتصادی خصوصی و عمومی می‌شود. ولی فساد آثاری به مراتب مخرب‌تر از مالیات دارد، زیرا درآمدهای حاصل از آن، برای انجام فعالیت‌های اجتماعی سودآور، به بودجه دولت کمکی نمی‌کند. به علاوه چون فساد غیرقانونی است، عدم اطمینان بیشتری در این شکل از «اخذ مالیات» در مقایسه با اشکال رایج مالیات وجود دارد، که موجب می‌شود مالیات ناشی از فساد پرهزینه‌تر شود.^۴ درحقیقت بنگاه‌های خصوصی پرداخت‌کننده رشوه لزوماً بنگاه‌های رقابتی و کارآمدی نیستند، آنها اغلب مجبور می‌شوند که به مقامات رسمی، برای انجام کسب و کارشان رشوه بپردازند، که هزینه‌های یک چنین فساد مانعی بر جذب رشد اقتصادی بوده و مقدار آن را کاهش می‌دهد.^۵

۶-۱. فساد به عنوان مانعی برای ورود به بازار

فساد به مقامات رسمی اجازه می‌دهد به طور مخفیانه و سلیقه‌ای منافع خصوصی کسب کنند، بنابراین آنها می‌دانند که هرچه انعطاف ناپذیری بیشتری تحمیل نمایند، فرصت بیشتری برای کسب رشوه دارند. بدین ترتیب کارگزاران دولتی نه تنها اقدام به ایفای نقش مورد انتظار خود یعنی رفع نواقص بازار نخواهند کرد، بلکه نواقص بیشتری نیز در بازارها

1. Murphy, (1991).
2. Second-Best Solution
3. Tanzi (1998).

۴. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

5. Akai, Nobuo, (2005).

ایجاد خواهند کرد. در چنین محیطی بنگاه‌های جدید بالقوه که مجبورند برای ثبت و شروع عملیات خود رشوه پرداخت کنند، اغلب تصمیم می‌گیرند وارد بازار نشوند، که در نتیجه رشد اقتصادی کاهش خواهد یافت.^۱

۷-۱. فساد به عنوان عامل از بین بردن مشروعیت دولت

فساد فراگیر، مشروعیت حکومت را تحلیل می‌برد. فساد در تدارک کالاها و خدمات دولتی و در تحمیل هزینه‌ها حیثیت حکومت‌هایی را که خواستار مشروعیت مردمی هستند لکه‌دار می‌کند.^۲ و موجب تضعیف ظرفیت دولت برای ایجاد نهادهایی می‌شود که از بازارها حمایت می‌کنند. یکی از شکل‌های به شدت زیان‌آور فساد نوع «تسلط بر دولت» است. یعنی اینکه بنگاه‌ها قادر باشند برای اطمینان از اینکه سیاست‌ها و مقررات دولت مطابق منافع آنها اجرا شود، در کل فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی اختلال ایجاد کنند. این نوع فساد می‌تواند بازدارنده اصلاحات دولتی باشد. شرکت‌هایی که از پرداخت رشوه سود برده‌اند در برابر کوشش‌هایی که برای افزایش شفافیت قوانین و مقررات صورت می‌گیرد ایستادگی خواهند کرد. هم‌دستان آنها در دستگاه دولتی نیز با اقدامات اصلاحی که هدفشان بازتر کردن و رقابتی کردن اقتصاد است مخالفت خواهند کرد.^۳

۲. مطالعات تجربی انجام شده

۲-۱. مطالعات تجربی خارجی

مطالعات تجربی بسیاری در زمینه ارتباط میان فساد و رشد اقتصادی انجام گرفته است که در ادامه به چند مورد از برجسته‌ترین آنها اشاره می‌شود.

- ادس و دی تلا^۴ (۱۹۹۶) در مقاله‌ای با عنوان "علل و پیامدهای فساد: مروری بر دستاوردهای تجربی" به بررسی مشاهدات تجربی کشورها در مورد دلایل و نتایج فساد پرداخته‌اند. این مطالعه قصد دارد میزان حمایت اطلاعات آماری جدید را از مطالعات

1. Akai, Nobuo, (2005). P53.

۲. رزآکرمن، (۱۹۹۹).

3. Bigsten, (1997).

4. Ades and Di Tella.

تجربی پیشین آزمون نماید و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که فساد نه تنها باعث کاهش رقابت در بازار تولیدات و عدم استقلال قضایی می‌شود، بلکه اثر معکوسی نیز بر رشد اقتصادی به همراه خواهد داشت.^۱

- آلسینا و ودر^۲ (۱۹۹۹) در مقاله‌ای با عنوان "آیا دولت‌های فاسد کمک‌های خارجی کمتری دریافت می‌کنند؟" به منظور بررسی رابطه فساد با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کمک‌های خارجی، رگرسیونی برای مجموعه‌ای از ۹۰ کشور و در دوره زمانی ۱۹۹۵-۱۹۷۰ برآورد نموده و نتیجه گرفته‌اند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با سطح فساد موجود در کشور میزان رابطه‌ای منفی و معنادار دارد.^۳

- وی^۴ (۱۹۹۷) به منظور بررسی رابطه فساد با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رگرسیونی برای مجموعه‌ای از ۶۵ کشور برآورد نموده و به این نتیجه رسیده است که فساد مانند مالیات بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمل می‌کند. افزایش در میزان فساد از سنگاپور نسبتاً بدون فساد تا مکزیک نسبتاً فاسد معادل افزایشی به میزان بیش از ۲۰ درصد در نرخ مالیات است.^۵

- باردهان^۶ (۱۹۹۷) در مقاله‌ای ارزشمند با عنوان "فساد و توسعه" با نگاه به بررسی پنج رابطه محوری اعم از فساد و رشد اقتصادی، فساد و کارآیی، تفاوت‌های ملی فساد، مسائل سیاسی کاهش فساد و انگیزه‌های کاهش فساد می‌پردازد.^۷

- پائولو مائورو^۸ (۱۹۹۵) در مقاله ارزشمند خود به تجزیه و تحلیل پایگاه اطلاعاتی تهیه شده بر اساس اطلاعات مؤسسه BI^۹ پرداخته و با استفاده از یک رگرسیون بین کشوری نشان داده است که فساد، پیچیدگی بوروکراسی اداری، نظام قضائی ناکارآمد و بی‌ثباتی سیاسی، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد.^{۱۰}

1. Ades, (1996).
2. Alesina and Weder.
3. Alesina, (1999).
4. wei.
5. Kaufmann, (1999).
6. Bardhan, Pranab
7. Bardhan, (1997).
8. Mauro, Paolo.
9. Business International.
10. Mauro, (1995).

- مورفی^۱، شلیفر و ویشنی (۱۹۹۳) در مقاله مشهور خود به هدایت غیربهبینه استعدادهای جامعه تحت شرایطی که نهادها از کیفیت نازل برخوردارند می‌پردازند و نشان می‌دهند که فساد به اشکالی چون رانت جویی، برای رشد اقتصادی به شدت زیان‌بار است. زیرا انگیزه نخبگان جامعه را برای ابداع و نوآوری کاهش داده و با هدایت آن‌ها به سوی فعالیت‌های رانت جویانه و توزیعی، جامعه را از ظرفیت‌های خود محروم می‌کند.^۲

- گوپتا، داوودی و آلونسو ترمی^۳ (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای با هدف بررسی ارتباط فساد با توزیع درآمد و فقر، به این نتیجه رسیده‌اند که فساد بالا و فزاینده، نابرابری درآمد و فقر را تشدید می‌کند و رشد اقتصادی، کارآیی نظام مالیاتی، کارایی مخارج دولتی و تشکیل سرمایه انسانی را کاهش می‌دهد.^۴

- بلک‌برن و همکاران (۲۰۰۵) با استفاده از یک مدل تعادل عمومی پویا به بررسی ارتباط رشد اقتصادی، رشوه و فرار مالیاتی می‌پردازند. آنها معتقدند که فساد بوروکراتیک زمانی بروز می‌کند که کارگزاران خصوصی و عمومی از انگیزه کافی برای تباری کردن به دور از دیدگان دولت برخوردار باشند. در نهایت این مطالعه ارتباط فساد و توسعه اقتصادی را منفی پیش‌بینی می‌کند.

- هیلمن (۲۰۰۴) معتقد است که مالیه عمومی باید ابزاری باشد که از طریق آن دولت‌ها خصوصاً در کشورهای کم درآمد، رشد اقتصادی را افزایش و فقر را خاتمه دهند. حال آنکه فساد درآمدهای مالیاتی را کاهش داده و سیاست‌های عمومی را در دست‌یابی به اهداف اجتماعی ناکارآمد می‌سازد.

۲-۲. مطالعات انجام شده داخلی

- صامتی و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با هدف بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی، سلب آزادی اقتصادی از طریق دخالت بیش از حد دولت و نهادهای مرتبط را یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز گسترش فساد مالی در سطح خرد (فساد اداری) و در

1. Murphy.

2. Marphy, (1998).

3. Gupta, Sanjeev; Davoodi, Hamid & Alonso Terme, Rosa.

4. Gupta, (1998).

سطح کلان (فساد سیاسی) می‌دانند. نتایج برآوردهای تجربی که با کمک روش داده‌های تابلویی برای ۷۳ کشور و طی دوره چهار ساله (۲۰۰۳-۲۰۰۰) انجام شده است، بیانگر اثر مثبت و معنادار سه جزء اصلی آزادی اقتصادی (ساختار قضائی و امنیت حقوق مالکیت؛ پول سالم؛ آزادی مبادله با خارجی‌ها) و اثر بی‌معنی دو جزء دیگر (اندازه دولت و قوانین و مقررات) بر فساد مالی است.^۱

- علیزاده و فانی (۱۳۸۶) در "بررسی تأثیر فساد اداری بر توسعه انسانی جوامع" به تحلیل اطلاعات ۸۶ کشور که از طریق نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند برگزیده شده‌اند، پرداخته و چنین نتیجه گرفته‌اند که فساد تأثیر معناداری بر کاهش توسعه انسانی دارد و با اجزای آن به ویژه در کشورهای در حال توسعه ارتباط منفی دارد. محققین منشور اخلاقیات سازمانی را به عنوان یکی از راهکارهای عمده برای کاهش فساد اداری، به ویژه در جوامعی که دارای نظام‌های ارزشی و اعتقادی فراگیر می‌باشند، معرفی می‌کنند.^۲

- فساد و دولت: علت‌ها، پیامدها و اصلاح، عنوان کتاب ارزشمند پروفیسور سوزان رز اکرم‌ن^۳، بنیانگذار ادبیات معاصر سیاسی-اقتصادی در باب فساد، ترجمه منوچهر صبوری در ۱۳۸۵ است. اکرم‌ن در کتاب فساد و دولت به بررسی نقش سطح بالای فساد در کاستن از سطوح رشد اقتصادی و رشد که نهایتاً به بی‌اثر شدن نقش دولت می‌انجامد می‌پردازد. وی معتقد است فساد موجب عدم کارآیی و نابرابری‌های مختلفی در اقتصاد و جامعه می‌شود، اما با اصلاحات می‌توان از منافع مادی حاصل از اقدامات فاسد- خصوصاً در زمینه اقتصاد-کاست. او در این کتاب می‌کوشد تا تفسیر نظام‌مندی از بعضی روابط بین ثروت و بخش خصوصی، ساختارهای قانونی و فساد ارائه کند.

ارتباط میان فساد و رشد اقتصادی از ادبیات نظری غنی‌ای برخوردار است که این امر بیش از هر چیز ناظر به اهمیت قابل توجه فساد بر عملکرد اقتصادی است. در این خصوص همانطور که پیشتر نیز اشاره شد گروهی از تئوری‌ها معتقدند فساد قادر است از طریق دور

۱. صامتی و همکاران، (۱۳۸۵).

۲. علیزاده و فانی، (۱۳۸۶).

3. Rose-Ackerman, Susan

زدن قوانین و مقررات ناکارآمد و انعطاف ناپذیر تحمیل شده توسط دولت - خصوصاً در کشورهای کمتر توسعه یافته - به افزایش رشد اقتصادی منجر شود. از آن جمله می‌توان به "رشوه بازار را تسویه می‌کند" یا "رشوه به عنوان پاداش تشویقی برای بوروکرات‌ها عمل می‌کند" یا "رشوه هزینه‌ها را کاهش می‌دهد" اشاره کرد. اما در طرف مقابل تئوری‌هایی وجود دارند که فساد را برهم‌زننده عملکرد مناسب بازارها و کاهش‌دهنده رشد اقتصادی می‌دانند. استدلال این مقاله این است که روح حاکم بر گروه اول این تئوری‌ها بیش از آنکه ناظر بر القای یک نگاه ارزشی و مثبت به پدیده فساد باشد، ناظر بر محدودیت‌ها و خطوط قرمزی است که در بوروکراسی اداری کشورهای در حال توسعه وجود دارد. بار مالی بالای قوانین و مقررات، طولانی و پرهزینه بودن فرآیندها، ابهام و عدم شفافیت در سازوکارهای اجرایی، تغییرات مداوم قوانین و مکانیزم‌ها و عملکرد سلیقه‌ای و برداشت‌های متفاوت از قوانین توسط کارگزاران اداری جملگی موانعی هستند که پیمودن روش‌های غیرقانونی و روی آوردن به گذرگاه فساد را در نظر بخش خصوصی، به طور نسبی کم‌هزینه و سهل می‌نماید. به این اعتبار جای شگفتی نیست اگر ادعا شود که در چنین فضای مشوش کسب و کاری که مشخصه‌های آن ذکر گردید، رشوه و سایر انواع فساد اداری محرک رشد اقتصادی باشد. بدیهی است هرچه از شدت موانع فوق کاسته شود و فضای کسب و کار برای فعالیت بخش خصوصی هموارتر شود، کارگزاران اقتصادی بیشتر به شیوه‌های قانونی رهنمون می‌شوند. در چنین شرایطی است که نه تنها از شدت فساد کاسته می‌شود، بلکه علاوه بر آن وقوع مصادیق فساد خود به مثابه عاملی اختلال‌زا در مسیر انجام فعالیت‌های اقتصادی مطرح خواهد بود. توجه به ارقام ذکر شده در جدول (۱) می‌تواند به خوبی این مدعا را اثبات نماید. در این جدول چهار مؤلفه از مجموعه شاخص‌های فضای کسب و کار^۱ که از سال ۲۰۰۳ تا کنون به صورت سالانه توسط بانک جهانی تهیه می‌شود و نیز شاخص ادراک فساد^۲ که از سال ۲۰۰۲ توسط مؤسسه شفافیت بین‌الملل تهیه می‌گردد، مورد استفاده قرار گرفته است. در خصوص شاخص ادراک فساد باید اشاره کرد که این شاخص ارقامی بین ۱ تا ۱۰ را اختیار می‌کند به گونه‌ای که رقم یک

1. Business Environment.

2. Corruption perception index.

نمایانگر کشوری با حداکثر میزان فساد اداری و رقم ۱۰ نمایانگر کشوری کاملاً عاری از فساد می‌باشد. مشاهده می‌شود که هرچه از طیف کشورهای پردرآمد فاصله می‌گیریم و به سمت کشورهای کم‌درآمد حرکت می‌کنیم، هزینه‌های پیمودن فرآیندهای اداری (از دو بعد زمانی و مالی) افزایش می‌یابد. به طوریکه به عنوان مثال در کشورهای پردرآمد OECD آغاز یک کسب و کار به طور متوسط ۱۵ روز زمان می‌برد و نیازمند صرف هزینه‌ای معادل پنج درصد درآمد سرانه است. حال آنکه همین اقدام در کشورهای کم‌درآمد به ۵۵ روز زمان و صرف هزینه‌ای در حدود ۱۳۶ درصد درآمد سرانه نیاز دارد. از سوی دیگر شاخص ادراک فساد در این دو گروه از کشورها به ترتیب برای کشورهای پردرآمد OECD و کشورهای کم‌درآمد معادل ۷/۸۰ و ۲/۴۹ می‌باشد. به عبارتی دیگر کشورهای برخوردار از پرهزینه‌ترین فضای کسب و کار دارای بالاترین میزان فساد هستند و کشورهای دارای فضای کسب و کار سهل‌تر و سریع‌تر، سطوح فساد پایین‌تری را تجربه می‌کنند. مقایسه ارقام مربوط به سایر شاخص‌ها نیز از چنین روندی حکایت دارند.

جدول ۱- مقایسه برخی از شاخص‌های فضای کسب و کار و شاخص کنترل فساد

شاخص ادراک فساد	متوسط هزینه لازم برای آغاز یک کسب و کار (درصد از درآمد سرانه)	متوسط زمان لازم برای شروع یک کسب و کار (روز)	متوسط زمان لازم برای ثبت یک دارای (روز)	متوسط زمان لازم برای اجرای قراردادها (روز)	سال ۲۰۰۷
۷/۸۰	۵	۱۵	۳۲	۴۵۸	کشورهای OECD درآمد سرانه بالاتر از ۱۰/۰۶۶ دلار
۴/۰۲	۲۶	۴۲	۶۱	۵۹۴	کشورهای بالاتر از متوسط درآمد سرانه بین ۳/۲۵۶ و ۱۰/۰۶۵ دلار
۳/۰۱	۵۷	۵۳	۸۵	۶۳۸	کشورهای پایین‌تر از متوسط درآمد سرانه بین ۳/۲۵۵ و ۸۲۵ دلار
۲/۴۹	۱۳۶	۵۵	۱۱۲	۶۴۷	کشورهای کم‌درآمد درآمد سرانه ۸۲۵ دلار و پایین‌تر

منبع: WDI 2008 و مؤسسه شفافیت بین‌الملل

به این اعتبار می توان ادعا کرد که در کشورهایی که از قوانین و مقررات ساده و تثبیت شده، سازوکارهای اداری شفاف؛ سریع و کم هزینه برخوردار هستند، فساد به عنوان مانعی برای رشد اقتصادی مطرح است و تبعاً کنترل فساد اثری مثبت بر رشد اقتصادی دارد. اما آنجایی که قوانین پیچیده و متغیر، فرآیندهای اداری مبهم، زمان بر و پرهزینه هستند، فساد قادر است هزینه های مبادلاتی بنگاه ها را کاهش داده و به سطوح بالاتر تولید بیانجامد. بنابراین در این شرایط مقابله با فساد و کنترل آن با رشد اقتصادی ارتباطی معکوسی خواهد داشت. حال برای اینکه بتوانیم نتایج خود را به معرض آزمون بگذاریم، اقدام به پی ریزی مدلی خواهیم کرد که ارتباط میان کنترل فساد و رشد اقتصادی را به تصویر کشیده و بر اساس اطلاعات نمونه، فرضیات تحقیق را آزمون نماید.

۳. الگوی تحقیق

فرضیات این تحقیق به بررسی تأثیر کنترل فساد بر رشد اقتصادی در سه گروه از کشورهای جهان معطوف شده است. بر این اساس مطابق با طبقه بندی بانک جهانی کشورهای جهان به سه گروه کشورهای با درآمد بالا (درآمد سرانه بالاتر از ۱۰/۰۶۶ دلار)، کشورهای با درآمد متوسط (درآمد سرانه بین ۸۲۵ و ۱۰/۰۶۵ دلار) و کشورهای با درآمد پایین (درآمد سرانه ۸۲۵ دلار و پایین تر) تقسیم شده و مدل مورد نظر برای هر یک از این سه گروه بر آورد خواهد شد. ابتدا به معرفی مدل تحقیق می پردازیم.

۳-۱. انتخاب مدل رشد

اغلب مطالعات تجربی برجسته در بررسی تأثیر فساد بر رشد اقتصادی، مانند مائورو (۱۹۹۵)، ناک و کیفر^۱ (۱۹۹۵)، لی و همکاران^۲ (۲۰۰۰) و رُک و بونت^۳ (۲۰۰۴)، از رگرسیون هایی بین کشوری استفاده نموده اند که در آن متوسط نرخ رشد اقتصادی در خلال دوره زمانی مورد بررسی متغیر وابسته بوده و در کنار شاخص فساد که یکی از

1. Knack and Keefer.

2. Li et al.

3. Rock and Bonnett.

عوامل غیراقتصادی اثرگذار بر رشد اقتصادی است، مجموعه‌ای از متغیرهای کنترل مانند سطح درآمد سرانه اولیه در سال ۱۹۶۰، نرخ رشد جمعیت، نرخ ثبت نام در مدارس متوسطه، نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی و ... به عنوان متغیر توضیحی لحاظ شده است. به این اعتبار ما نیز از چارچوب اقتصادسنجی مشابه با مطالعات تجربی فوق، برای بررسی فرضیه تحقیق و ماهیت اثرگذاری پدیده کنترل فساد بر رشد اقتصادی استفاده خواهیم کرد. وجه تمایز این مطالعه با موارد ذکر شده پیشین، تمرکزی است که در سرتاسر مقاله چه در بخش نظری و چه در بخش تجربی به تقابل میان دو واقعیت عینی^۱ جوامع امروزی معطوف گردیده است. (فساد مالی و بوروکراسی ناکارآمد) از آنجا که روح حاکم بر تحلیل‌های نظری ارائه شده ایجاب می‌کند که در بنا نهادن مدل تجربی، این تقابل لحاظ شود، مدل زیر به منظور آزمون فرضیه تحقیق در سه نمونه کشورهای مورد بررسی طراحی شد.

$$\begin{aligned} \ln Y_t = & \beta_0 + \beta_1 \ln K_t + \beta_2 \ln L_t + \beta_3 \text{SCI}_t + \beta_4 \text{GE}_t \\ & + \beta_5 \text{COC}_t + U_t \end{aligned} \quad (1)$$

در رابطه فوق، منظور از $\ln Y$ لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۰۰ و بر اساس معیار برابری قدرت خرید^۲ است، $\ln K$ نشان‌دهنده لگاریتم انباره سرمایه‌های فیزیکی و $\ln L$ نمایانگر لگاریتم نیروی کار است. SCI نرخ ثبت نام ناخالص در مدارس متوسطه را نشان می‌دهد. GE شاخص اثربخشی دولت است که کارآیی بوروکراسی دولتی را نشان می‌دهد و COC شاخص کنترل فساد است.

۲-۳. منابع آماری

اطلاعات آماری مربوط به متغیرهای Y (تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت و بر اساس معیار برابری قدرت خرید)، K (انباره سرمایه فیزیکی^۳)، L (نیروی کار)، SCH (نرخ

1. objective.
2. purchasing power parity.

۳. انباره سرمایه با استفاده از آمار تشکیل سرمایه ناخالص (سرمایه‌گذاری).

ثبت نام در مدارس متوسطه)، از مجموعه نماگرهای اقتصادی بانک جهانی^۱ اقتباس شده است. اما اطلاعات مربوط به شاخص های اثربخشی دولت و کنترل فساد حاصل تلاش سه تن از محققان بانک جهانی دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو زویدو لوباتون^۲ است که یافته های مؤسسات مختلف بین المللی همچون EIU^۳، ICRG^۴، بنیاد هریتیج^۵ و خانه آزادی^۶ پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص های شش گانه ای تحت عنوان شاخص های حکمرانی خوب معرفی نموده اند. شاخص های حکمرانی خوب مشتمل بر شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخ گویی، ثبات سیاسی، کیفیت قوانین و مقررات، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون و کنترل فساد است. شاخص های مورد نظر اولین بار در سال ۱۹۹۶ و برای ۱۹۳ کشور ارائه گردید. این پروژه به طور دوسالانه در سال های ۱۹۹۸، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲ نیز تکرار گردید. اما از سال ۲۰۰۲ بانک جهانی اقدام به گردآوری سالانه شاخص های مزبور نموده است. به طوری که اطلاعات مربوط به سالهای ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ نیز در حال حاضر گردآوری شده و موجود می باشد. در این مطالعه از میان این مجموعه به دو شاخص اثربخشی دولت و کنترل فساد اکتفا شده است. شاخص های فوق انتزاعی^۷ بوده و ذهنیت مردم، کارآفرینان و سرمایه گذاران خارجی نسبت به پدیده هایی عینی همچون مصادیق فساد و یا مصادیق ناکارآمدی در بوروکراسی دولت را اندازه گیری می کند.

۳-۳. روش برآورد مدل

برای بررسی تأثیر کنترل فساد بر رشد اقتصادی، با توجه به کیفیت دسترسی به دو شاخص اثربخشی دولت و کنترل فساد که نهایتاً برای هشت سال در اختیار است و نیز اندازه نمونه که مشتمل بر ۱۴۰ کشور است، ناگزیر از ترکیب داده های مقطعی و سری

1. World Development Indicators (WDI).

اطلاعات مورد نظر از لوح فشرده شاخص های اقتصادی بانک جهانی نسخه ۲۰۰۸ گرفته شده است.

2. Daniel Kufmann, Aart Kraay, Pablo.Zoido.Lobaton.

3. Economist Intelligence Unit.

4. International Country Risk Group.

5. Heritage Foundation.

6. Freedom House.

7. subjective.

زمانی به صورت داده‌های تابلویی^۱ استفاده خواهیم نمود.

۴. برآورد مدل تحقیق

پس از معرفی مدل، متغیرها و روش مورد استفاده برای تخمین آن، در این قسمت مدل تحقیق برای سه نمونه مورد بررسی، برآورد می‌گردد. نمونه اول شامل ۲۸ کشور کم‌درآمد، نمونه دوم شامل ۶۲ کشور برخوردار از درآمد متوسط و نمونه سوم شامل ۲۷ کشورهای پردرآمد است.

همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌کنید، در تخمین مدل برای گروه کشورهای کم‌درآمد، از روش اثرات ثابت استفاده شده است. مقادیر آماره‌های آزمون لیمر و هاسمن که در جدول (۲) ثبت شده‌اند، استفاده از این روش را به جای روش‌های داده‌های ترکیبی و یا اثرات تصادفی توجیه می‌کنند. نتایج مدل اثرات ثابت نشان می‌دهد که اثرگذاری انباره سرمایه فیزیکی و نیروی کار مطابق با تئوری‌های رشد مثبت و معنادار است. علاوه بر آن ضریب متغیر نرخ نام‌نویسی در مدارس متوسطه نیز گویای وجود رابطه‌ای اگرچه خفیف اما مثبت میان این متغیر و تولید ناخالص داخلی است. ضریب متغیر اثربخشی دولت، برابر با (۰/۰۳۲-) تخمین خورده است که به لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۰ درصد کاملاً معنادار است. علامت منفی این ضریب در حقیقت گواه ناکارآمدی بوروکراسی در این گروه از کشورها است. به عبارت دیگر در مجموع در این کشورها، رابطه‌ای منفی میان عملکرد بوروکراسی اداری و تولید ناخالص داخلی وجود دارد. نکته قابل توجه در نتایج فوق، ضریب (۰/۱۱۷-) به دست آمده برای متغیر کنترل فساد است. این ضریب در ظاهر نشان از اثرگذاری منفی و معنادار کنترل فساد بر رشد اقتصادی دارد. یعنی مقابله با مصادیق فساد را، مانعی برای رشد تولید ناخالص داخلی برمی‌شناسد. وجود این رابطه منفی مادامی قابل توجیه است که با عملکرد نامطلوب بوروکراسی اداری جمع شود. به عبارت دیگر با وجود موانع بی‌شمار بوروکراتیک که با افزایش زمان و مراحل اداری، هزینه‌های معاملاتی را برای کارگزاران اقتصادی افزایش می‌دهد، گذرگاه فساد رهگذری است که فرآیندهای اقتصادی را تسریع می‌نماید. این همان حقیقتی است که در بخش نظری مقاله نیز به آن

1. Panel Data.

پرداخته شد. حال مقابله با چنین رهگذری به مثابه مسدود کردن اندک روزنه‌های انجام مبادلات با هزینه‌های معاملاتی پایین تر است. لازم است مجدداً اشاره شود که چنین نتایجی درصدد القای یک نگاه ارزشی و مثبت به پدیده مذموم فساد نبوده بلکه ناظر بر شناسایی ریشه‌ها و عوامل پدیدآورنده شرایطی است که کارگزاران اقتصادی را ناگزیر به پیمودن مسیرهای غیر مقبول اجتماعی می‌نماید. بنابراین فرضیه این تحقیق برای کشورهای کم‌درآمد در سطح اطمینان ۹۰ درصد رد می‌شود.

جدول ۲- نتایج تخمین مدل تحقیق برای گروه کشورهای کم‌درآمد

متغیر وابسته: Ln Y لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت ۲۰۰۰			
اثرات تصادفی	اثرات ثابت	داده‌های ترکیبی	روش تخمین
۵/۴۴۶ (۱۰/۱۹۶)*	۴/۱۴۳ (۲۳/۴۲۰)*	۴/۱۴۳ (۴۶/۷۴۷)*	عرض از مبدأ
۰/۱۸۴ (۳/۷۲۸)*	۰/۵۱۸ (۱۴/۵۶۸)*	۰/۵۸۶ (۲۳/۴۵۸)*	Ln K
۰/۸۱۳ (۸/۷۴۳)*	۰/۴۶۲ (۱۲/۴۰۳)*	۰/۳۷۸ (۱۲/۸۸۳)*	Ln L
۰/۰۰۸ (۵/۵۹۹)*	۰/۰۰۲ (۴/۹۳۵)*	۰/۰۰۱ (۲/۱۳۱)*	SCH
-۰/۰۵۱ (-۱/۶۵۴)**	-۰/۰۳۲ (-۱/۸۵۳)**	-۰/۰۶۸ (-۲/۱۴۹)*	GE
-۰/۰۶۰ (-۱/۷۰۴)**	-۰/۱۱۷ (-۲/۶۷۵)*	-۰/۲۱۴ (-۸/۰۱۱)*	COC
۰/۸۸۳	۰/۹۹۹	۰/۹۹۹	R2 تعدیل شده
آماره آزمون هاسمن = ۷/۶۵۴		آماره آزمون لیمر = ۱۴/۵۶۸	

منبع: برآورد محققین

اعداد داخل پرانتز آماره t را نشان می‌دهند.

علامت * و ** به ترتیب نشانه معناداری متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد و ۹۰ درصد هستند.

نتایج تخمین مدل برای گروه کشورهای با درآمد متوسط، در جدول (۳) مشاهده می‌شود. در این مورد نیز با مقایسه مقدار F حاصل شده از آزمون لیمر (F=13.254) با F جدول می‌توان فرضیه H₀ مبنی بر یکسان بودن عرض از مبدأها و لزوم استفاده از روش

داده‌های ترکیبی را رد کرد. همچنین آماره آزمون هاسمن براساس برآورد مدل برابر $6/358$ می‌باشد، که از مقدار X^2 جدول بزرگتر بوده و بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر استقلال اثر واحدهای مقطعی از متغیرهای توضیحی و لزوم به کارگیری روش اثرات تصادفی رد می‌شود. در نتیجه برای تخمین مدل دوم نیز، روش داده‌های تابلویی از نوع اثرات ثابت مورد قبول می‌باشد. مشاهده می‌شود در گروه کشورهای دارای درآمد متوسط ضریب شاخص کنترل فساد برابر با $0/050$ بوده که با توجه به آماره t آن معادل $1/771$ به لحاظ آماری در سطح اطمینان 90 درصد معنادار است. این نتایج اثر مثبت و معنادار کنترل فساد را بر رشد اقتصادی کشورهای دارای درآمد متوسط تأیید می‌نماید. باید توجه داشت که برای این گروه از کشورها متغیر اثربخشی دولت از ضریب $0/037$ برخوردار بوده و در سطح اطمینان 90 درصد به لحاظ آماری معنادار است. این نتیجه حکایت از مطلوب بودن بوروکراسی اداری و کارآیی آن دارد. و دقیقاً عکس نتیجه‌ای است که در گروه کشورهای کم‌درآمد به دست آمد. بر این اساس فرضیه تحقیق در میان کشورهای برخوردار از درآمد متوسط به لحاظ آماری در سطح اطمینان 90 درصد رد نمی‌شود. لازم به ذکر است که تأثیرگذاری سایر متغیرهای لحاظ شده در مدل مانند نرخ ثبت نام در مدارس متوسطه، انباره سرمایه فیزیکی و نیروی کار همانند قبل می‌باشد.

نتایج تخمین مدل برای گروه کشورهای پردرآمد نیز که در جدول (۴) قابل مشاهده است، به روش داده‌های تابلویی از نوع اثرات ثابت انجام شده است. برای گروه کشورهای پردرآمد ضریب شاخص کنترل فساد برابر با $0/051$ بوده و به لحاظ آماری در سطح اطمینان 95 درصد کاملاً معنادار است. این نتایج اثر مثبت و معنادار کنترل فساد را بر رشد اقتصادی کشورهای دارای درآمد متوسط تأیید نموده و یافته‌های تئوریک ما در بخش مبانی نظری را تأیید می‌کند. بنابراین فرضیه تحقیق در میان کشورهای پردرآمد نیز پذیرفته می‌شود. باید توجه داشت که ضریب متغیر اثربخشی دولت $0/112$ بوده و مؤید نقش قابل ملاحظه بوروکراسی اداری این کشورها در عملکرد اقتصادی آنها دارد. رفتار سایر متغیرها یعنی نرخ ثبت نام در مدارس متوسطه، انباره سرمایه فیزیکی و نیروی کار همانند قبل بوده و مطابق با تئوری‌های رشد اقتصادی است.

جدول ۳- نتایج تخمین مدل تحقیق برای گروه کشورهای با درآمد متوسط

متغیر وابسته: Ln Y لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت ۲۰۰۰			
اثرات تصادفی	اثرات ثابت	داده‌های ترکیبی	روش تخمین
۰/۳۵۵ (۱۷/۶۸۴) *	۴/۸۹۸ (۴/۰۵۱) *	۲/۳۸۱ (۴۲/۰۵۰) *	عرض از مبدأ
۰/۴۳۶ (۹/۳۱۵) *	۰/۳۵۳ (۱۵/۱۵۵) *	۰/۸۲۲ (۲۲۴/۷۷۴) *	Ln K
۰/۵۴۴ (۹/۳۶۶) *	۰/۶۹۶ (۸/۱۴۶) *	۰/۱۸۷ (۴۹/۱۱۱) *	Ln L
۰/۰۰۵ (۷/۱۸۴) *	۰/۰۰۵ (۵/۴۵۴) *	۰/۰۰۳ (۱۷/۰۵۱) *	SCH
۰/۰۶۱ (۲/۴۸۰) *	۰/۰۳۷ (۱/۶۶۶) **	۰/۰۳۲ (۱/۹۵۵) *	GE
۰/۰۵۳ (۱/۸۸۱) **	۰/۰۵۰ (۱/۷۷۱) **	۰/۱۰۹ (۷/۴۱۷) *	COC
۰/۸۸۱	۰/۹۹۹	۰/۹۹۹	R2 تعدیل شده
۶/۳۵۸	آماره آزمون هاسمن	۱۳/۲۵۴	آماره آزمون لیمر

منبع: برآورد محققین

اعداد داخل پرانتز آماره t را نشان می‌دهند.

علامت * و ** به ترتیب نشانه معناداری متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد و ۹۰ درصد هستند.

جدول ۴- نتایج تخمین مدل تحقیق برای گروه کشورهای پردرآمد

متغیر وابسته: Ln Y لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت ۲۰۰۰			
اثرات تصادفی	اثرات ثابت	داده‌های ترکیبی	روش تخمین
۰/۳۹۶ (۹/۱۳۱) *	۱۲/۶۳۲ (۲۲/۳۲۰) *	۲/۲۹۲ (۱۲/۲۲۴) *	عرض از مبدأ
۰/۳۷۹ (۱۴/۳۵۰) *	۰/۲۲۴ (۱۴/۹۸۱) *	۰/۹۶۴ (۵۵/۳۵۶) *	Ln K
۰/۷۱۸ (۱۵/۴۲۳) *	۰/۴۷۸ (۹/۹۸۰) *	۰/۰۱۷ (۳/۲۱۳) *	Ln L
۰/۰۰۱ (۰/۵۳۴)	۰/۰۰۴ (۴/۳۱۲) *	۰/۰۰۱ (۲/۴۶۰) *	SCH
۰/۱۹۸ (۶/۳۲۵) *	۰/۱۱۲ (۷/۶۸۵) *	۰/۰۵۸ (۳/۴۱۶) *	GE
۰/۰۱۲ (۳/۲۴۹) *	۰/۰۵۱ (۴/۴۶۰) *	۰/۰۷۸ (۲/۸۶۸) *	COC
۰/۸۹۷	۰/۹۹۹	۰/۹۹۰	R2 تعدیل شده
۷/۵۲۱ = آماره آزمون هاسمن		۱۹/۵۴۷ = آماره آزمون لیمر	

منبع: برآورد محققین

اعداد داخل پرانتز آماره t را نشان می‌دهند.

علامت * و ** به ترتیب نشانه معناداری متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد و ۹۰ درصد هستند.

جمع‌بندی و ملاحظات

نتایج حاصل از مدل تحقیق برای هر سه نمونه کشورها، ضمن روشن ساختن کیفیت تأثیر مبارزه با فساد بر عملکرد اقتصاد، حقایق پنهانی را آشکار می‌سازد که دقت نظر در آن به ما این امکان را می‌دهد تا به پدیده فساد از زوایای دیگری نیز بنگریم. این نظرگاه که در حقیقت وجه تمایز این مطالعه با موارد پیشین است، تمرکز بر تقابل میان دو واقعیت عینی^۱ جوامع امروزی است. ۱- فساد مالی و ۲- بوروکراسی ناکارآمد

این تقابل هم در بخش نظری با تکیه بر ادبیات تنوریک فساد و هم در بخش تجربی از طریق برآورد یک مدل اقتصادسنجی به تصویر کشیده شد. روح حاکم بر تحلیل‌های ارائه شده از این واقعیت پرده بر می‌دارد که هر کجا بوروکراسی اداری ناکارآمد، پرهزینه، وقت‌گیر و در یک کلام تحمیل‌کننده هزینه مبادله باشد، عقلانیت اقتصادی کارگزاران اقتصادی را به سوی روش‌های کم‌هزینه‌تر سوق می‌دهد و آنان را وامی‌دارد که روشی که مستلزم صرف هزینه کمتر است را برگزینند. اینجاست که رهگذر فساد اداری به عنوان گزینه بدیل پیمودن مسیر طویل و طاقت‌فرسای اداری مطرح می‌گردد و رفته رفته به قاعده بازی کارگزاران اقتصادی تبدیل می‌گردد. این قاعده جدید و غیررسمی اگرچه به لحاظ ارزشی مذموم و ناپسند است اما به لحاظ اثباتی کارآتر از قاعده بازی مرسوم و قانونی است. البته باید توجه داشت که این مدعا خاص کشورهای است که از بوروکراسی ناکارآمد رنج می‌برند.

با تکیه بر یافته‌های ذکر شده، پیشنهادات ذیل با تمرکز بر پدیده فساد و با در نظر گرفتن مناسبات اداری حاکم برای کشورهای نمونه قابل طرح است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که کنترل فساد بر رشد اقتصادی کشورهای دارای درآمد متوسط و بالا اثر مثبتی دارد. بنابراین تلاش و اراده ملی در جهت مبارزه با فساد، می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای را در افزایش رشد اقتصادی این گروه از کشورها ایفا کند. در این راستا به طور مشخص دو راهکار عمده پیشنهاد می‌شود.

۱- افزایش نظارت بر کارگزاران دولتی متصدی ارائه خدمات

1. objective.

۲- شفاف سازی فرآیندهای اداری از طریق:

الف) حذف تبصره های ذیل قوانین که عموماً امکان استخراج برداشت های متفاوت از قانون را برای کارگزاران فراهم می سازد.

ب) درج آشکار قوانین فاقد تبصره های زاید در جراید و رسانه های عمومی و پایگاه های اینترنتی مربوط به سازمان های دولتی به عنوان میثاق تغییر ناپذیر مردم و دولت.

ج) الکترونیکی کردن فرآیندهای اداری و جایگزین ساختن سیستم های الکترونیکی به جای افراد.

د) جایگزین کردن قواعد و فرمول های یکسان پرداخت خدمات دولتی به جای صلاحدید کارگزاران.

همچنین نتایج این مطالعه نشان می دهد که کنترل فساد بر رشد اقتصادی کشورهای کم درآمد اثری منفی دارد. با توجه به این نتیجه و به پشتوانه ادبیات تئوریک که در بخش اول مرور گردید، می توان این ارتباط معکوس را به فضای نامناسب کسب و کار در این گروه از کشورها نسبت داد. به گونه ای که برای کارگزاران بخش خصوصی، پرداخت رشوه و سایر مظاهر فساد کاهش دهنده هزینه های مبادلاتی و افزایش دهنده سطح تولید است. بنابراین به نظر می رسد تجدید نظر در قوانین و مقررات اقتصادی این کشورها، خصوصاً مقررات مربوط به بازارهای پولی و مالی، بازار کار، مالیات ها، تجارت خارجی و تسهیل قوانین مربوط به آغاز فعالیت های اقتصادی از ضروری ترین اقدامات برای بهبود فضای کسب و کار و افزایش رشد اقتصادی باشد. بنابراین در گروه کشورهای کم درآمد مسئولیت دولت از این رو خطیرتر می نماید که می باید به طور همزمان هم به مبارزه با فساد همت گمارد و هم در راستای بالا بردن کارآیی بوروکراسی گام بردارد.

منابع

- رز آکرمن، سوزان، (۱۹۹۹)؛ فساد و دولت، علت‌ها، پیامدها و اصلاح؛ (۱۳۸۴)؛ ترجمه علی صبوری، نشر و پژوهش شیرازه، چاپ اول.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۰۲ بانک جهانی، نهادسازی برای بازار، ترجمه علی حبیبی.
- صامتی و همکاران، (۱۳۸۵)؛ "بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۸۷-۱۰۵.
- علیزاده و فانی، (۱۳۸۶)، "تأثیر فساد اداری بر توسعه انسانی جوامع"، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۱۷-۲۴.
- Ades, Alberto and Rafael Di Tella, (1996); "Causes and Consequences of Corruption: A Review of Empirical Contributions" *IDS Bulletin*, vol.27, no.2, April 1996, pp.6-11.
- Aidt, S.T., (2003); "Economic analysis of corruption: a survey", *Economic Journal*, 113(491), pp. 632-52
- Akai, Nobuo.(2005); "Short-run and Long-run Effects of Corruption on Economic Growth" Evidence from State-Level Cross-Section Data for the United States", The paper presented at the Bi-Annual Meeting of the Japanese Economic Association (at Kyōto Sangyō University, 4-5 June 2005).
- Alesina, Alberto and Beatrice Weder, (1999); Do Corrupt Governments Receive Less Foreign Aid?" NBER Working Paper No.7108.
- Bardhan, Pranab (1997); "Corruption and Development: A Review of Issues", *Journal of Economic Literature*, vol.35, pp.1329-34.
- Barreto, Raul A.(2000); "Endogenous corruption in a neoclassical growth model", *European Economic Review*, 44 pp. 35-60.
- Baumol, W.J.,(1990); "Entrepreneurship: Productive, Unproductive, and Destructive", *Journal of Political Economy*, 98(5), pp. 893-921.
- Beck, P. and Maher, M.W., (1986); "A Comparison of Bribery and Bidding in Thin Markets", *Economic Letters*, 20(1), pp.1-5.
- Bigsten, Arne & Moene, Karl Ove, "Growth and Rent Dissipation: The Case of

- Kenya", *Journal of African Economies*, vol.5, no.2, pp.177-198.
- Gupta, Sanjeev; Davoodi, Hamid & Alonso-Terme, Rosa, (1998); "Does Corruption Affect Income Inequality and Poverty?", *IMF Working paper*, 98/76. Washington, International Monetary Fund, Fiscal Affairs Dept.
- Hall, R. E., & Jones, C. (1999). Why Do Some Countries Produce so Much More Output Per Worker than Others?, *Quarterly Journal of Economics*, 114(1), pp.83-116.
- Kaufmann, Daniel & Shang-Jin Wei, (1999); "Does 'Grease Money Speed Up the Wheels of Commerce?", *National Bureau of Economic Research (NBER)*, Working Paper No. 7093, pp.148-50.
- Leff, N.,(1964); "Economic Development Through Bureaucratic Corruption", *American Behavioral Scientist*, 8(2), pp.8-14.
- Lien, D.D.,(1986); "A note on competitive bribery games", *Economics Letters*, 22(4), pp. 337-41.
- Lui, F.T.(1985); "An Equilibrium Queuing Model of Bribery", *Journal of Political Economy*, 93(4), pp.760-81.
- Mauro, P., (1995); "Corruption and Growth", *Quarterly Journal of Economics*, 110(3), pp. 681-712.
- Murphy, K.M., Shleifer, A., Vishny, R.W.,(1991), "The Allocation of Talent: Implications for Growth", *Quarterly Journal of Economics*, 106(2), pp.503-30.
- Shleifer, A. and R.Vishny.(1993); "Corruption", *Quarterly Journal of Economics* 108, pp.599-617.
- Tanzi, V., (1998); "Corruption around the world: causes, consequences, scope, and cures", *IMF Staff Papers*, 45(4), pp.559-94.